

باچشم‌تر در محضر دوست

بازخوانی آیین‌های عزاداری خراسانی‌ها و جلوه‌های ارادت

به امام رضا(ع) در دهه پایانی صفر

طوبی اردلان

طبق آنچه در متون کهن سیاهه شده، تاریخ، هویت و آبادانی سرزمینی که بعدها «مشهد» خوانده می‌شود، با دفن پیکر مطهر حضرت(ضلع) است که شکل می‌گیرد و به‌مرور به شمالی امروز می‌رسد. ناگفته نماند که تساهل مذهبی مغولان و بعدها نیز گرایش آنان به اسلام و تشیع رشد شیعه‌گری در مشهد را رقم می‌زند. دراین میان سادات موسوی به‌عنوان قدیمی‌ترین ساکنان این شهر از امکان ویژه‌ای برای دست‌گیری نقابت سادات، اداره حرم رضوی و زعامت سیاسی شهر مشهد بر خوردار می‌شوند ولی بااین‌همه حرمرضوی توسعه‌ای نمی‌یابد و تا مدت‌ها به بقعه مطهر و مسجد کوچک بالاسر محدود بوده‌است. در زمانه سربداران و حوالی سنه ۷۶۰هجری قمری با اینکه حکومت همچنان داخلی در اداره حرم نداشته و سادات موسوی گرداننده و رتق‌ووقف‌کننده امور آن بوده‌اند، این روند تغییر می‌کند و بقعه مطهر به‌دست حکومتیان بهسازی می‌شود. پس از آن هم طبق اسناد باقی‌مانده تاریخی، نخستین ایوان و مناره حرم که هنر دست «علاءالدین محمد هندو» بوده است و احتمالاً بنای اولیه ایوان طلا و گلدسته مجاور آن محسوب می‌شود در میانه قرن هفتم و هشتم هجری خورشیدی، پا می‌گیرد. این توسعه ادامه‌دار، چندی بعد، احداث نخستین صحن برای حرم حضرت(ضلع) و معماری دوم ایوان مشهور به «طلار» را به نام امرای تیموری ثبت می‌کند که توانستند با طرح‌های آبادگرانه خود، مشهد را از شهری در جددو به مهم‌ترین شهر خراسان تبدیل کنند.

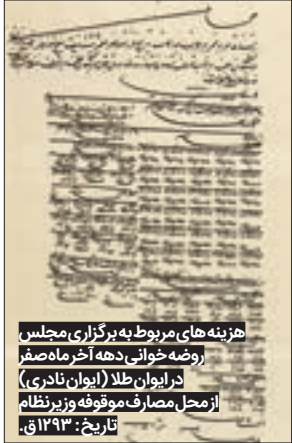
با روی کار آمدن صفویان علاوهبر گسترش مذهب شیعه، آداب و رسوم مذهبی بسیاری شکل گرفت که سرآمد آن‌ها، آیین‌های عزاداری ایام محرم و صفر است، آدابی که ارادت به اهل بیت(ع) مبنای ماناشدن بسیاری از آن‌ها تا به امروز است. این آیین‌ها در دهه پایانی صفر و هم‌زمان با ایام شهادت حضرت(ضلع) در مشهد جلوه دیگری می‌گیرد. آن‌چنان‌که عاشورای دیگری رقم می‌خورد و زمانه سیاه‌جامه تازاهای به تن می‌کنند. آیین‌های عزاداری در این ایام به دو دسته آیین‌های حرمی و آیین‌هایی که گردانندگان آن مردم هستند، تقسیم می‌شود.

● وقف‌عرا

سندهای بسیاری در آرشیو مرکز استان آستان قدس رضوی وجود دارد که متن درج‌شده در آن، از وقف‌هایی برای پذیرایی عزاداران یا برگزاری آیین عزایی یاد می‌کند. طبق همین مکتوبات تاریخی در دوران صفویه مراسم سوگواری با وسعت بیشتری



شمع گردانی در حرم تاریخ: ۱۳۳۴



هزینه‌های مربوط به برگزاری مجلس روضه خوانی دهه آخر ماه صفر در ایوان طلا (ایوان نادری) از محل مصارف موقوفه وزیر نظام تاریخ: ۱۳۱۶ق

علاوه بر سنگ تمایمی که مردم برای هرچه باشکوه‌تر برگزار کردن عزاداری‌های دهه پایانی صفر می‌گذارند، آیین‌هایی چندصدساله هم هستند که خادمان آستان ملائک پاسبان حضرت رضا(ع) در حرم برگزار می‌کنند. طبق اسناد باقی‌مانده در آستان قدس رضوی، برگزاری مراسم دهه پایانی ماه صفر، سوگواری ایام شهادت پیامبر اکرم(ص)، امام‌حسن مجتبی (ع)، امام‌رضا (ع) و اربعین حسینی در حرم مطهر، بیش از یک قرن و نیم قدمت دارد و در زمره مراسمی است که از اهمیت زیادی نیز برخوردار است. از نحوه برگزاری عزاداری‌های دهه پایانی صفر در حرم ۳۰ عنوان سند مالی باقی مانده که در آن هزینه‌های مصرفی آستان قدس سیاهه شده‌است. عمر قدیمی‌ترین این اسناد به دهه آخر صفر سال ۱۳۱۰هجری قمری می‌رسد که مربوط به مجالس خطبه‌خوانی، شمع گردانی و مجالس روضه‌خوانی در آستان حضرت رضاست.

● خطبه‌خوانی

خطبه‌خوانی در شب عاشورا و شب شهادت امام(ضلع) به شکل کنونی از دوره پهلوی دوم و هم‌زمان با شکل‌گیری اداره تشریفات آستان قدس رضوی مرسوم شده است. این آیین دوبار در سال، یکی در شب عاشورا و دیگری در شب شهادت حضرت رضا(ع)، و بر اساس وقف‌نامه



ظهور روز شهادت حضرت رضا(ع) حرم مطهر- سال ۱۳۶۸

و وارد مشهد می‌شود. سپس بی‌درنگ، بی‌موزه با پای تاول زده، خود را به آستان حضرت رضا(ع) می‌رساند و عرض ارادت می‌کند. همچنین در متون کهن آمده است که شاه عباس صفوی طی مدت اقامتش در مشهد، هر شب تا صبح، در حرم به سر

در آیین شمع گردانی که تنها در شب شهادت حضرت رضا(ع) برگزار می‌شده است و احتمالاً قدمت آن به دوران صفویه پهلوی می‌زند، خادمان آتش پیسه‌سوزهای حرم را می‌کشند و سپس با روشن کردن شمع و گرداندن آن در صحن و رواق عزاداری می‌کرده‌اند

می‌برده و همچون خدام، گاه جارو کشی می‌کرده و گاهی هم مشغول روشن کردن شمع و گرفتن گل شمع‌ها بوده است. او در سال‌های بعد نیز به قصد زیارت، کوله‌بار سفر به مشهد می‌بندد و در هر بار سفرش، دست به اقداماتی عمرانی برای بهبود وضعیت شهر می‌زند. به‌عنوان مثال او در سفر نخست خود، دستورهایی مبنی بر تعمیر صحن و ضریح مطهر صادر کرده است و موفق شده در مرصع به جواهرهای گران‌بهایی را که شهر می‌زند. به‌عنوان مثال او در سفر نخست خود، دستورهایی مبنی بر تعمیر صحن و ضریح مطهر صادر کرده است و موفق شده در مرصع به جواهرهای گران‌بهایی را که شهر می‌زند. به‌عنوان مثال او در سفر نخست خود، دستورهایی مبنی بر تعمیر صحن و ضریح مطهر صادر کرده است و موفق شده

قرن می‌زند، شاه‌عباس صفوی بوده است. از او به‌عنوان نخستین کسی نام می‌برند که به‌طور رسمی، مسیر اسفهان تا مشهد را با پای پیاده آمده است. روایت است که او در سال ۱۰۱۰هجری قمری به‌همراه ملازمان و ندیمان خود از مسیر طیس و ترشیز، فاصله اصفهان تا مشهد را در ۲۸روز طی می‌کند



هیئت ۵ نفری پیاده که از ولایت خراسان به مشهد رسیدند- دهه ۱۴۰۰

صفر در حرم

هم‌او در سندی که درست یک سال بعد سیاهه شده، به شاع‌التولیه صاحب‌جمع روشنایی جهت فراهم کردن شمع برای مراسم شمع گردانی شب شهادت امام(ضلع) در سال ۱۳۳۵قمری دستورهایی داده است.

● برپایی مجلس روضه

در آیین شمع گردانی که تنها در شب شهادت حضرت رضا(ع) برگزار می‌شده است و احتمالاً قدمت آن به دوران صفویه پهلوی می‌زند، خادمان آتش پیسه‌سوزهای حرم را می‌کشند و سپس با روشن کردن شمع و گرداندن آن در صحن و رواق عزاداری می‌کرده‌اند. در باب برگزاری این آیین، دو سند در آرشیو آستان قدس رضوی وجود دارد که مربوط به سال‌های ۱۳۳۴قمری و ۱۳۳۵قمری است و در آن‌ها دستورهای مسئولان وقت برای چگونگی برگزاری مراسم و نحوه هزینه کردن آن‌ها آمده است. در این اسناد که یادگار دوره قاجار هستند، «سیدجواد ظهیرالاسلام» به کشیک‌نویس آستان قدس جهت حاضر نمودن همه کارکنان پنج کشیک به‌منظور برپایی مراسم عزاداری و شمع گردانی در شب بیست‌ونهم (شهادت امام رضا(ع)) و استفاده‌نکردن از چراغ دستوراتی می‌دهد. صفویه می‌دانند.



ظهور روز شهادت حضرت رضا(ع) حرم مطهر- سال ۱۳۶۸

هیئت‌های عزادار هر ساله می‌آیند تا ظهر روز شهادت در آستان حضرت دوست، جان بی‌قرار را فراری دوباره دهند. پشت تزیین شده است، در جلو هر دسته حمل نوحه‌هایی که هر کدام با گویشی و زبانی متعددی نیز این جریده را همراهی می‌کند. در مشهد بیش از هر شهر مذهبی دیگری در کشور، ایامی، دسته سینه‌زنی وجود دارد که هیئت متحده متوسلین به یکی از ائمه یا شهدای کربلا معروف‌اند. شمار این دسته‌ها به بیش از صد می‌رسد که از نظر تعداد عضو و تجهیزات با هم اختلاف بسیار دارند. زنجیرزنی یکی دیگر از آیین‌های عزاداری است که سال‌هاست انجام می‌شود

اما در این میانه نقش‌سازی از آیین‌هایی است که دارد کم‌کم متروک می‌گردد.
● تابوت به دوش بردن زنان نوغان

تابوت بسر دوش بردن و گل افشان کردن پیکر نمادین حضرت رضا(ع) یکی دیگر از آیین‌های عزاداری مشهدی‌ها در روزهای پایانی صفر است. طبق روایت‌های شفاهی ۱۲۰۰سال است که زنان نوغان هر ساله شهر در مراسم عزاداری شرکت می‌کنند و پارچه سبز آذین می‌کنند، بر سر شانه می‌برند و پس از چرخاندن در محله، موی‌کنان و موی‌کنان به‌سوی حرم قدم می‌گیرند. این حرکت اگرچه سندیت تاریخی ندارد، براساس داستانی شکل گرفته که قرن‌هاست دهان به دهان و سینه به سینه چرخیده است. این داستان می‌گوید: زنان این محله هنگامی که از شهادت امام(ضلع) با خبر شدند، با بخشیدن مهر به‌های خود به شوهرانشان، اجازه گرفتند تا پیکر مطهر پسر رسول خدا را تشییع کنند. آنان سپس با دسته‌های گل و گلاب، راهی محل دفن می‌شوند تا به این صورت، آداب مهمان‌پذیری و غریب‌نوازی‌شان را به جا آورند.



تصویری از عزاداری زنان نوغان که تابوت نمادین حضرت رضا(ع) را بر دوش می‌کشند

● شب شام‌گریبان

در این سنت عزا که آن هم دوبار در سال یعنی در شب عاشورا و شب شهادت حضرت(ضلع) برگزار می‌شود، همه کارکنان آستانه در اداره هر مرکزی آستان قدس رضوی در چهارراه شهدا حاضر می‌شوند و سوگواری می‌کنند. در این مکان به جز چند شمع، چراغی روشن نمی‌شود و محوطه تاریک و غم‌انگیز است. هم‌زمان با بلندشدن صدای آذان مغرب از گلدسته‌ها، نماز جماعت برپا می‌شود. سپس خدمه با در دست داشتن شمعی روشن و نظمی خاص برای عزاداری و سوگواری به‌سوی حرم مطهر رضوی به راه می‌افتند. مردم و زائران از ساعتی قبل، مشتاقانه در دو طرف خیابان برای دیدن هیئت خدمه حضرت امام رضا(ع) اجتماع کرده و با آنان همدردی می‌کنند و برای سلامتی خادمان حضرت(ع) صلوات می‌فرستند.

منابع گزارش: گفت‌وگو با کاظم جهانگیری کلاته، کارشناس اسنادی مرکز اسناد آستان‌قدس رضوی، کتاب «پیشینه عزاداری در حرم رضوی» تألیف محمدرضا قصابیان، کتاب «موقعیت جغرافیایی مشهد» از مهدی سیدی، آرشیو عکس مرکز اسناد آستان قدس رضوی و...

شهریار

روزنامه شهرامیدوزندگی

شنبه ۱۰ مهر ۱۳۹۹ ۱۳ شهریور ۱۳۹۹ شماره: ۳۲۱۶

SHAHRAHNEWS.IR

۵۰

۵۰

۵۰

۵۰

۵۰

۵۰

۵۰

۵۰

۵۰

۵۰

۵۰

۵۰

۵۰

۵۰

۵۰

۵۰

۵۰

۵۰

۵۰

۵۰

۵۰

۵۰

۵۰

۵۰

۵۰

۵۰

۵۰

۵۰

۵۰

۵۰

۵۰

۵۰

۵۰

۵۰

مروری بر تاریخچه شکل‌گیری نظمیه و پلیس به مناسبت روز نیروی انتظامی

روزگار مردان امنیت



در ایران تا پیش از سال ۱۲۵۶ خورشیدی سازمانی به نام اداره پلیس و نظمیه نبود و کلاتر تهران که امور انتظامی پایتخت یا دارالخلافه را برعهده داشت، عده‌ای فراش را به خدمت گرفته بود تا وظایف امنیتی و انتظامی، احضار و جلب متهمان، مظنونان، بدهکاران و اهل فسق و فساد، یعنی وظایف گزمه و محسبت را به‌صورت مشترک انجام دهند.

● ۱۲۵۷: شکل‌گیری پلیس ایران

۲۰آبان ۱۲۵۷ نخستین تابلو پلیس ایران در ابتدای خیابان الماسیه تهران که امروز «باب‌همایون» نام دارد، بر سردر عمارت پلیس آویخته شد تا این اداره که عبارت «داره جلیله پلیس دارالخلافه و احتساب» روی تابلو آن درج شده بود، به مردم کوچه و بازار معرفی شود. ناصرالدین‌شاه که در روز افتتاح اداره پلیس دارالخلافه حضور داشت، شعری سروده که این است: «رندانه حذر کنید باران ز پلیس / یک‌مورند به خرج آنان تدلیس // در مجلس «کنت مونت‌فورت» خواهد ماند/ در چرخ اگر خطا نماید جرجیس». مونت‌فورت در ادامه خانۀای را به‌عنوان اداره نظمیه تشکیل داد و شروع به استخدام نیروی پلیس کرد، کاری که تا پیش از او توسط فراش‌ها، قراولان و سربازها انجام می‌شد.

● ۱۲۷۵: شکل‌گیری ژاندارمری

در سال ۱۲۷۵ خورشیدی، دولت ایران برای نخستین‌بار از طریق نامۀای که ناپلئون سوم به ناصرالدین‌شاه نوشته بود با سازمانی به نام ژاندارمری که در کشور فرانسه دایر شده بود، آشنا شد و آگاهی مختصری درباره آن پیدا کرد. در تشکیلات و سازمان‌های اداری و حکومتی ایران تا سال ۱۲۷۶ خورشیدی که «میرزااعلی اصغرخان امین‌الدوله»، صدراعظم مظفرالدین‌شاه، به فکر تأسیس سازمانی به نام ژاندارمری افتاد، اثر مشهود دیگری یافت نشده و گویا روال حفظ امنیت و نظم شهر چون گذشته بوده‌است. اسفند۱۲۷۷ بود که در تهران ژاندارمری ایجاد شد؛ گویا در ابتدای امر، جمعی از نجیب‌زادگان را برای خدمت قبول می‌کردند تا به آن‌ها مواجب، لباس و اسلحه بدهند. ژاندارمری بعدها در سال‌های نخست مشروطه برای کوتاه کردن دست خان‌ها و برچیدن نفوذ درباریان به دو بخش «ژاندارمری دولتی» و «ژاندارمری خزانه» تقسیم شد.

● ۱۲۸۵: تأسیس نظمیه

پس از برقراری مشروطه و احتیاج شدید کشور به نظم و امنیت داخلی، با تصویب مجلس شورای ملی مقرر شد اداره‌ای با نام «امنیه داخلی» تشکیل شود و همه وظایف ژاندارمری داخلی را برعهده بگیرد. این اداره که زیرنظر ادارت تابعه جنگ بود، به ریاست «سردار بهادر خان بختیاری» در تهران شروع به کار کرد. در این ایام در ۱۳۰قراولخانه وجود داشته‌است که وظیفه حفظ امنیت شهر را برعهده داشته‌اند. این قراولخانه‌ها از زمان امیرکبیر در مشهد فعال بوده‌اند. در سال‌های نخست مشروطه نیز «معمدالوزرا» رئیس نظمیه مشهد بود. زمانی که رکن‌الدوله، حاکم خراسان، به تهران رفت و ظهیرالسلطان، فرزند ظهیرالدوله، کفیل او در این ایالت شد، نامنی و سرقت در محلات و خیابان‌های مشهد افزایش یافت. پس از مدتی وقتی وضعیت نظمیه بهبود یافت، در هر محله کمیسری تشکیل شد و مقرر کردند هر واقعۀای به این مکان اطلاع داده شود. در این دوران همچنین حمل اسلحه ممنوع شد و تعداد پلیس‌ها در مشهد افزایش یافت، به‌طوری‌که شب و روز پیوسته در حال گشت‌زنی بودند. نظمیه مشهد در این زمان علاوهبر اداره مرکزی شامل ۶کمیسری بود که در «بازار سرشور»، «دروازه‌سراب»، «بالا خیابان»، «دروازه عیدگاه»، «پایین خیابان» و «دروازه نوغان» مستقر بودند. اما مهم‌ترین دوره نظمیه در مشهد که به‌صورت مجزا از بلده فعالیت می‌کرده، زمان فعالیت مستخدمان سوئدی بوده‌است. به‌دنبال منصوب‌شدن قوام‌السلطنه به والیگری خراسان در آغاز سال ۱۲۹۷ شمسی، او هماهنگی وزارت داخله از مازور «شوربگ» سوئدی برای ریاست نظمیه مشهد دعوت می‌شود. مهم‌ترین اتفاق دوران ریاست بگبگرد. دستگیری قوام‌السلطنه، والی خراسان، و بسیاری از بزرگان مشهد توسط کلنل محمدتقی‌خان پسیان در ۱۳فروردین ۱۳۰۰خورشیدی بود. پس از به‌قدرت‌رسیدن او تشکیلات ژاندارمری وسعت یافت، آن‌چنان‌که در اوایل سال ۱۳۰۰، تعداد نیروهای آن به ۱۰۰ سواره‌نظام و ۵۰۰قبضه تفنگ رسید.

● ۱۲۹۹: تأسیس ژاندارمری

این روند به همین شکل ادامه پیدا می‌کند تا اینکه پس از کودتای اسفند۱۲۹۹ خورشیدی، رضاخان که فرماندهی دیویژیون قزاق را برعهده داشت، تصمیم گرفت از ادغام دو نیروی قزاق و ژاندارمری دولتی، سپاهی ایجاد کند. او بالاخره قوام‌السلطنه صدر را راضی کرد و به‌این‌صورت یک سال بعد، قشون متحدالشکل ایجاد شد. متعاقباً به موجب این حکم در ۲۲بهمن سال ۱۳۰۰خورشیدی نیز اداره امنیت که زیرمجموعه وزارت جنگ بود، شکل گرفت.

● ۱۳۷۰: شکل‌گیری ناجا

پلیس ایران پس از انقلاب در سال ۱۳۷۰ خورشیدی از ادغام شهربانی و ژاندارمری به وجود آمد و در حال حاضر با عنوان اختصاری «ناجا» به‌صورت رسمی مسئول حفظ امنیت داخلی کشور است.